



University of Tehran press

The Role of Fear and Anxiety in Learning German: A Field Study of German Language Teaching in Iran



Kaveh Bahrami 0000-0003-1358-7595

Department of German Language and Literature, Faculty of Letters and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Email: k_bahrami@sbu.ac.ir

ABSTRACT

Fear and anxiety, along with motivation and attitude, are part of affective factors that are effective in the process of learning a foreign/ second language. Language anxiety is a type of situation specific anxiety the effect of which on the foreign language learning process has been investigated by many researchers. The present study sought to introduce the types of anxieties related to foreign and second language learning and investigate whether the level of fear and anxiety among German language learners is different at different CEFR levels. It was hypothesized that as language learners move to a higher language level, their anxiety decreases. To test the hypothesis, the model presented by Horwitz et al. (1986), which is used to measure Foreign Language Classroom Anxiety Scale (FLCAS), was administered to a total of 45 participants in three groups of A1 (beginner), B1 (intermediate), and B2 (upper intermediate) CEFR levels, each comprising 15 learners studying German at a language institute in Iran. The results did not support the proposed hypothesis, which means that improvement in the language level does not necessarily lead to a decrease in the level of fear and anxiety experienced by language learners.

ARTICLE INFO

Article history:
Received: 24 October 2022
Received in revised form:
03 February 2023
Accepted: 06 February
2023
Available online:
Summer 2023

Keywords:

Fear, anxiety, learning a foreign language, learning a second language, German language, motivation

Bahrami, K. (2023). The Role of Fear and Anxiety in Learning German: A Field Study of German Language Teaching in Iran. *Journal of Foreign Language Research*, 13 (2), 229-243. <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.353194.1007>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.353194.1007>



انتشارات دانشگاه تهران

پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی

شاپای چاپی: ۴۱۲۳-۲۵۸۸ شاپای الکترونیکی: ۷۵۲۱-۲۵۸۸

https://jflr.ut.ac.ir

Email: jflr@ut.ac.ir

نقش ترس و اضطراب در فرایند یادگیری زبان‌های خارجی: بر اساس بررسی میدانی آموزش زبان آلمانی در ایران



کاوه بهرامی*

0000-0003-1358-7595

گروه زبان و ادبیات آلمانی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.. رایانامه: k_bahrami@sbu.ac.ir

چکیده

ترس و اضطراب در کنار انگیزه و نگرش بخشی از عوامل شخصیتی را تشکیل می‌دهند که در روند یادگیری زبان خارجی و زبان دوم مؤثر هستند. ترس زبانی یکی از انواع ترس‌های موقعیتی است و تأثیر آن بر روند یادگیری زبان خارجی مورد بررسی بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. در این جستار، علاوه بر معرفی انواع ترس‌های مرتبط با یادگیری زبان خارجی و زبان دوم، به دنبال نشان دادن ارتباط میان میزان ترس و اضطراب با سطح زبانی هستیم. فرضیه پژوهش پیش‌رو بر این نکته تأکید دارد که هرچه زبان‌آموزان در سطح بالاتری از زبان قرار می‌گیرند، از میزان ترس آن‌ها کاسته می‌شود. برای دست‌یافتن به پرسش این پاسخ‌ها از مدل ارائه‌شده از سوی هورویتز و همکاران (۱۹۸۶) استفاده کردیم که برای سنجش میزان ترس در زبان خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پرسش‌نامه در سه سطح A1 (سطح مبتدی)، B1 (سطح متوسط) و B2 (سطح بالای متوسط) در اختیار ۴۵ زبان‌آموز در یکی از مؤسسات آموزش زبان آلمانی در ایران قرار گرفت. در هر یک از سطوح یادشده، ۱۵ زبان‌آموز شرکت داشته‌اند. نتایج این پژوهش نشان داد که فرضیه مطرح شده مورد تأیید نیست. به این معنا که بالا رفتن سطح زبانی لزوماً به کاهش میزان ترس و اضطراب زبان‌آموزان منجر نمی‌شود.

اطلاعات مقاله

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۱۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷
تاریخ انتشار: تابستان ۱۴۰۲
نوع مقاله: علمی پژوهشی

کلید واژگان:

ترس، اضطراب، یادگیری زبان خارجی، یادگیری زبان دوم، زبان آلمانی، انگیزه

بهرامی، کاوه. (۱۴۰۲). نقش ترس و اضطراب در فرایند یادگیری زبان‌های خارجی: بر اساس بررسی میدانی آموزش زبان آلمانی در ایران. پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، ۱۳ (۲)، ۲۲۹-۲۴۳.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.353194.1007>



© The Author(s).

Publisher: The University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jflr.2023.353194.1007>

* چاپ بیش از چهارده مقاله علمی پژوهشی در مجلات داخلی و بین‌المللی و همچنین تالیف دو عنوان کتاب و ترجمه کتاب.

پیش از آنکه به بحث دربارهٔ موضوع مقاله بپردازیم، لازم است نکاتی را از باب اصطلاح‌شناختی مطرح کنیم. موضوع مقاله پیش‌رو در منابع انگلیسی‌زبان زیر عنوان (*Anxiety*) مطرح شده است. سکول (۱۹۷۸) و هورویتز و همکاران (۱۹۸۶) نمونه‌هایی از منابع پر استناد به زبان انگلیسی در این موضوع پژوهشی هستند. برابرنهاد این واژه در پژوهش‌هایی که به زبان فارسی دربارهٔ این موضوع صورت پذیرفته است، «اضطراب» در نظر گرفته شده است (رک. [مودنی/امازندرانی](#) ۱۳۹۹). از سوی دیگر، در منابع آلمانی که در این مقاله نیز مورد استناد قرار گرفته‌اند، برابرنهاد اصطلاح (*Anxiety*)، «ترس» یا به زبان آلمانی (*Angst*) در نظر گرفته شده است (رک. [ریمر](#) ۱۹۹۷). این توضیح از این نظر لازم است که در مقالهٔ پیش‌رو از هر دو اصطلاح به فراخور استناد به منابع انگلیسی یا آلمانی استفاده شده است. و اما مقدمه‌ای در باب پژوهش حاضر: ترس (*Angst*) احساسی است که همه آن را در موقعیت‌های مختلف تجربه کرده‌ایم و کاملاً با آن آشنا هستیم. با وجود این، ارائهٔ تعریفی جامع برای این احساس که بخشی از زندگی روزمره انسان‌ها است، کار دشواری به نظر می‌رسد. ترس به ما کمک می‌کند تا در موقعیت‌هایی که شک و تردید داریم و یا احساس خطر می‌کنیم، بهتر عمل کنیم یا واکنش مناسب‌تری از خود نشان دهیم. بنابراین ترس و اضطراب را نیز می‌بایست مانند سایر احساسات (نظیر شادی و غم) و واکنشی عادی به محیط پیرامون خود قلمداد کنیم. ترس نیز مانند هر احساس دیگری جنبه‌های مثبت و منفی دارد: کمک به بقای انسان را می‌توان از جمله جنبه‌های مثبت این احساس در نظر گرفت. ترس همچنین می‌تواند آثار منفی داشته باشد و آن زمانی است که به منزوی شدن فرد بینجامد. گاهی اوقات ترس مانند زنگ خطری عمل می‌کند که توانایی‌های ناشناخته ما را یادآور می‌شود. به عبارت دیگر، ترس می‌تواند به نوعی برای سنجش نقاط ضعف و قوت انسان به کار رود. طبیعتاً آن بخشی از احساس ترس که در موقعیت‌های خطرناک پدید می‌آید، همراه با استرس و اضطراب است. می‌توان نتیجه گرفت که این احساس در کنترل کامل ما نیست، اما برای کنترل نسبی بر آن باید نسبت به این موضوع آگاهی داشته باشیم که ترس در چه مواردی نقش کمک‌رسان دارد و در چه مواردی می‌تواند مخرب باشد. به طور قطع نمی‌توان مدعی شد که این

احساس ریشه در جنبه‌های وراثتی دارد یا براساس آنچه در کودکی فراگرفته‌ایم، شکل می‌گیرد. همچنین دشوار است اگر بخواهیم نوع برخورد با این احساس را در نسل‌های مختلف مورد ارزیابی قرار دهیم. اما آنچه در مواجهه با موضوع ترس حائز اهمیت است، توجه به این نکته است که نوع برخورد ما با موضوع ترس و نگرش ما به آن، می‌تواند به کودکان منتقل شود. از همین رو، نوع برخورد ما با این موضوع در خانواده اهمیت دوچندانی دارد، زیرا که می‌تواند در تصویرسازی مثبت یا منفی کودکان مآثر باشد. هر انسانی با ترس روبرو می‌شود، اما این موضوع که چه زمانی و در چه شرایطی این رویارویی شکل می‌گیرد، در میان افراد متفاوت است. برخی از افراد بر موقعیت‌های بسیار سخت فائق می‌آیند، بی‌آنکه ترسی به خود راه دهند. این ویژگی را «آمادگی مقابله با ترس» می‌نامند (*Angstbereitschaft*). اینکه آمادگی مقابله با ترس تا چه میزان در افراد تقویت می‌شود، ثابت می‌ماند یا دچار کاهش می‌شود، به کودکی افراد و نحوهٔ برخورد بزرگسالان با این موضوع بازمی‌گردد. چنانچه این برخورد به درستی شکل نگیرد، تأثیر نامناسبی بر کودکان خواهد داشت و تغییر آن در آینده نیز به راحتی صورت نخواهد گرفت. چنانچه والدین در مواجهه با موضوعی جدید، ترس از خود نشان دهند، کودکان نیز تحت تأثیر قرار خواهند گرفت. همچنین اگر والدین نیاموخته باشند که چگونه بر خود مسلط شده و در جهت آرامش خود گام بردارند، پیامد آن به طور قطع ترس، تردید و عصبانیت خواهد بود. از آنجایی که ترس گونه‌های مختلفی دارد، آمادگی مقابله با آن نیز در شرایط مختلف به یک میزان نیست. به طور مثال، ترسی که به دلیل وقوع یک حادثه پدید آمده است را نمی‌توان با ترسی که ناشی از مشکلات جسمانی است مقایسه کرد. اما آنچه در همهٔ موارد مشابه است، این است که ترس در افرادی که آمادگی بیشتری برای ابتلا به آن دارند، افزایش می‌یابد. بنابراین تشخیص نوع ترس و نقطهٔ پیدایش آن اهمیت ویژه‌ای دارد. نقش خانواده و والدین در این بخش بسیار حائز اهمیت است، زیرا که به طور معمول والدین سرگرم رسیدگی به کودکان هستند و خانواده محیطی است که کودکان می‌توانند مشکلات خود را در آن بازگو کنند. گاهی اوقات ممکن است فردی از موضوعی ترس داشته باشد و جرأت صحبت کردن دربارهٔ آن را نیز نداشته باشد. اینجاست که نقش خانواده و والدین نقشی تعیین‌کننده خواهد بود.

پس از این مقدمه کوتاه، به موضوع مقاله پیش‌رو می‌پردازیم که همان ترس و اضطراب زبانی (*language anxiety*) است. ترس در کنار انگیزه (*Motivation*) و نگرش (*Einstellung*) بخشی از فاکتورهای شخصیتی (*Affektive Faktoren*) را تشکیل می‌دهد که در یادگیری زبان خارجی و زبان دوم مؤثر هستند. برخی از پژوهشگران بر این نظرند که ترس را باید بخشی از فاکتور انگیزه و جزء ویژگی‌های اخلاقی در نظر گرفت و مورد بررسی قرار داد و نه به عنوان فاکتوری مجزا. گاس و سلینگر (۲۰۰۱) اما معتقدند که ترس فاکتوری مستقل است و به همین سبب نیز می‌باید تأثیر آن به طور مجزا مورد ارزیابی قرار گیرد. آنچه روشن به نظر می‌رسد، تأثیر متقابل فاکتورهای انگیزه و ترس بر روی یکدیگر است. زبان‌آموزی که ترس از خطا دارد، احتمالاً برای یادگیری مطالب درسی جدید مستعدتر خواهد بود و انگیزه بیشتری خواهد داشت. شاید بتوان مدعی شد که انگیزه میزان ترس را مشخص می‌کند. نقش ترس در یادگیری زبان خارجی در چهل سال گذشته از سوی بسیاری از پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته است (سکول (۱۹۷۸)، هورویتز و همکاران (۱۹۸۶)، هورویتز (۱۹۹۱)، آیدا (۱۹۹۴)، مک‌این‌تایر (۱۹۹۸)، گرگرسن و هورویتز (۲۰۰۲)، ناردی (۲۰۰۶)، اسپارکس و گانشائو (۲۰۰۷)، پائه و میزینک (۲۰۱۲)، نرلیکی و ریمر (۲۰۱۲)). در این جستار، علاوه بر معرفی انواع ترس‌های مرتبط با یادگیری زبان خارجی و زبان دوم، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا میزان ترس در میان زبان‌آموزان زبان آلمانی در سطوح مختلف زبانی، متفاوت است و اگر چنین است، میزان ترس در سطح مبتدی (A1)، متوسط (B1) و بالای متوسط (B2) چه تفاوت‌هایی دارد؟ فرضیه پژوهش پیش‌رو بر این نکته تأکید دارد که هرچه زبان‌آموزان در سطح بالاتری از زبان قرار می‌گیرند، از میزان ترس آن‌ها کاسته می‌شود. برای دست‌یافتن به پرسش این پاسخ‌ها از مدل ارائه‌شده از سوی هورویتز و همکاران (۱۹۸۶) استفاده کردیم که برای سنجش میزان ترس در زبان خارجی (*foreign language anxiety*) مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این مقیاس اندازه‌گیری تحت عنوان «مقیاس اضطراب کلاس درس زبان خارجی» (*Foreign Language Classroom Anxiety Scale*) نام برده می‌شود. در این پژوهش، با هدف تعیین میزان ترس و اضطراب

در میان زبان‌آموزان ایرانی زبان آلمانی این پرسش‌نامه در سه سطح A1 (سطح مبتدی)، B1 (سطح متوسط) و B2 (سطح بالای متوسط) در اختیار ۴۵ زبان‌آموز در یکی از مؤسسات آموزش زبان آلمانی در ایران قرار گرفت و نتایج آن مقایسه و ارزیابی شد.

۲. پیشینه تحقیق

سکول (۱۹۷۸) از جمله پژوهشگرانی است که ارتباط میان ترس و یادگیری زبان را در منابع علمی مورد بررسی قرار داده است. وی این ارتباط را به دو بخش تقسیم می‌کند: بخش نخست شامل پژوهش‌هایی است که ارتباط میان ترس و یادگیری زبان را ارتباطی منفی ارزیابی می‌کنند و بخش دوم تحقیقاتی است که نشان می‌دهد یا این ارتباط به طور کل وجود ندارد و یا تأثیر ترس بر فرایند یادگیری، تأثیری مثبت است. هورویتز و همکاران (۱۹۸۶) از طریق طراحی پرسش‌نامه، میزان ترس زبان‌آموزان را در کلاس مورد بررسی قرار دادند. این پرسش‌نامه که در پژوهش‌های بعدی مورد استفاده بسیاری دیگر از محققان نیز قرار گرفت، به عنوان ابزاری قابل اعتماد برای سنجش میزان ترس در ارتباط با یادگیری زبان خارجی و زبان دوم به کار گرفته شد (*Foreign Language Classroom Anxiety Scale*). هورویتز و همکاران این پژوهش را در میان ۷۵ زبان‌آموز انگلیسی زبان اسپانیایی در یک دانشگاه آمریکایی صورت دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که نوعی از ترس مختص به یادگیری زبان خارجی وجود دارد که بر عملکرد زبان‌آموزان تأثیر منفی داشته است. هورویتز (۱۹۹۱)، در پژوهش بعدی خود، ترس در یادگیری زبان خارجی را به مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی تشبیه می‌کند که شامل احساس، ادراک، باورها و رفتار زبان‌آموزان می‌شود. به گفته این پژوهشگر، این ویژگی‌ها در کلاس درسی که زبان‌آموز مشغول به یادگیری و استفاده از زبان خارجی است، شکل می‌گیرند. آیدا (۱۹۹۴) از جمله نخستین پژوهشگرانی است که مدل هورویتز و همکاران را در پژوهش خود به کار بست و به تأثیر منفی ترس بر یادگیری زبان خارجی پی برد. این پژوهش در میان ۹۶ دانشجوی آمریکایی صورت پذیرفت که در حال یادگیری زبان ژاپنی به عنوان زبان خارجی بودند. نتایج پژوهش مک‌این‌تایر (۱۹۹۸) نشان می‌دهد، ترس در یادگیری زبان خارجی به عنوان تجربه و احساسی فردی

تعریف می‌شود که با واکنشی منفی در فرایند یادگیری همراه خواهد بود. از سوی دیگر، گرگرس و هورویتز (۲۰۰۲) معتقدند، زبان‌آموزانی که ترس و اضطراب دارند و در عین حال اصرار دارند که بدون خطا به زبان خارجی صحبت کنند، بیش از آنکه تمرکز خود را به یادگیری و استفاده از زبان معطوف کنند، به دنبال جلوگیری از بروز هرگونه خطای زبانی هستند. آنتلا ناردی (۲۰۰۶) در رسالهٔ دکتری خود با موضوع «تأثیر فاکتورهای غیرزبانی بر یادگیری زبان آلمانی» به نقش ترس در یادگیری زبان خارجی نیز پرداخته است و تأثیر این فاکتور را مورد تأیید قرار داده است. اسپارکس و گانشائو (۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود با استفاده از مدل هورویتز و همکاران (۱۹۸۶) به این نتیجه رسیدند که زبان‌آموزانی که از ترس کمتری برخوردارند، در مقایسه با زبان‌آموزانی که ترس بیشتری در یادگیری زبان خارجی از خود نشان می‌دهند، نتایج بهتری کسب می‌کنند. پائه و میزینک (۲۰۱۲) با مقایسه سه مدل برای سنجش میزان ترس در میان زبان‌آموزان اهل مالزی که مشغول یادگیری زبان ژاپنی بوده‌اند، تأثیر منفی ترس در فرایند یادگیری را مورد تأکید قرار داده‌اند. نرلیکی و ریمر (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که زبان‌آموزان از ترس خطا در هنگام صحبت کردن در مباحث شرکت نمی‌کنند و دلیل این امر را در عدم اعتماد کافی به توانایی‌های زبانی خود بیان می‌کنند. هامر (۲۰۱۹) در پژوهش خود به عواملی اشاره دارد که می‌توانند در کاهش ترس و اضطراب در کلاس درس مؤثر باشند. وی از جملهٔ این فاکتورها به این موارد اشاره دارد: تعداد زبان‌آموزان و ناهمگن بودن آن‌ها، ایجاد حس اعتماد در میان زبان‌آموزان، بازخورد مناسب و اصولی از سوی مدرس، نحوهٔ برخورد با خطاهای زبانی و مدیریت زمان هنگام صحبت کردن. همچنین یاشاریاسز-یانیک (۲۰۲۰) در مقالهٔ خود ابزارهای آموزشی را معرفی می‌کند که از طریق آن‌ها بتوان ترس زبانی را کاهش داد. وی همچنین به موضوعاتی نظیر تحلیل خطا و آمادگی برای صحبت کردن اشاره دارد. در پژوهش یادشده که محدود به ترس زبانی در کاربرد شفاهی از زبان است، تمرین‌هایی برای بهبود مهارت صحبت کردن و کاهش ترس زبانی ارائه می‌شود. شیرازی‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود به موضوع اضطراب زبانی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که اضطراب نگارش با عملکرد نگارش در ارتباط است. پروانه و

همکاران (۱۳۹۹) نیز در پژوهش دیگری به تأثیر روش آموزش معکوس بر خودمختاری و اضطراب زبان‌آموزان ایرانی پرداخته‌اند. نویسندگان این مقاله به این نتیجه رسیدند که روش آموزش معکوس، تأثیر بسزایی در بهبود خودمختاری زبان‌آموزان و کاهش اضطراب آنان دارد.

۳. بحث و بررسی

سکول (۱۹۷۸) در پژوهش خود دو نوع از ترس را معرفی می‌کند و از طریق این تعریف سعی دارد، ارتباط میان ترس و انگیزه را نمایان سازد. ترس تسهیل‌کننده (*facilitating anxiety*) و ترس تضعیف‌کننده (*debilitating anxiety*). همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، ترس احساسی کاملاً عادی است که هر زمانی امکان روبرو شدن با آن وجود دارد. شاید راهی برای مقابله با ترس وجود نداشته باشد، اما انگیزه می‌تواند در این میان برای غلبه بر ترس مؤثر باشد. چنانچه زبان‌آموز از انگیزه کافی برخوردار باشد، مشارکت بیشتری در فعالیت‌های کلاسی خواهد داشت و ترس کمتری به خود راه خواهد داد. بنابراین نتیجه می‌گیریم که فاکتورهای انگیزه و ترس ارتباطی تنگناگ با یکدیگر دارند، اما با وجود وابستگی فاکتور ترس و تأثیرپذیری آن از فاکتور انگیزه، می‌باید این فاکتور را به طور مجزا مورد بررسی قرار داد. از سوی دیگر، توجه به این نکته نیز ضروری است که میزان ترس در افراد متفاوت است و به همین سبب این ادعا که ترس می‌تواند در زیرمجموعهٔ فاکتورهای شخصیتی مورد ارزیابی قرار گیرد، قابل تصور به نظر می‌رسد.

ترس بسته به نوع پیدایش آن گونه‌های مختلفی دارد. یکی از انواع ترس، ترس اجتماعی است (*social anxiety*). اما ترس اجتماعی چگونه بر یادگیری زبان خارجی و زبان دوم تأثیر می‌گذارد؟ هنگامی که زبان‌آموزی در بحث یادگیری زبان خارجی با ترس روبرو می‌شود، این احساس می‌تواند معلم و سایر زبان‌آموزان شرکت‌کننده در کلاس را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد (ریمر ۱۹۹۷: ۱۷). بنابراین این مشکل که دیگران را نیز درگیر خود می‌کند، دیگر مشکلی فردی به حساب نمی‌آید. گاس و سلینگر (۲۰۰۱) بر این نظرند که ترس اجتماعی، رفتار فرد را دستخوش تغییراتی می‌کند. به طور مثال، منزوی شدن و عدم تمایل به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی از جمله پیامدهای ترس اجتماعی است. از سوی دیگر، با انواع دیگری از ترس نیز روبرو هستیم، از جمله ترس صفتی (*trait anxiety*)، ترس حالتی

(*state anxiety*) و ترس موقعیتی (*situation specific anxiety*). میان هر یک از این گونه‌های ترس تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. ترس صفتی به ویژگی‌های اخلاقی افراد بازمی‌گردد و اغلب به عنوان ویژگی فرد تعریف می‌شود. این گرایش رفتاری پایدار و تا میزانی اکتسابی است. ترس حالتی در موقعیتی شکل می‌گیرد که فرد در مقابل تجربه جدیدی قرار می‌گیرد و وادار به واکنش می‌شود. این گرایش ناپایدار است و بسته به شرایط نوسان دارد. ترس موقعیتی در موقعیت‌هایی مانند ایراد سخنرانی و یا شرکت در آزمون پدید می‌آید (الیس ۱۹۹۴). یکی از زیرمجموعه‌های ترس موقعیتی، ترس زبانی است (*language anxiety*). این ترس هنگامی پدید می‌آید که شخص در فرایند یادگیری زبان خارجی یا زبان دوم با موانعی روبرو می‌شود و در پی این موانع از ادامه یادگیری بازمی‌ماند. شناخته‌شده‌ترین موقعیت برای ترس زبانی در هنگام صحبت کردن نمایان می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، از گونه‌های دیگر ترس که ارتباط مستقیمی با یادگیری زبان خارجی یا زبان دوم دارند، می‌توان به ترس تسهیل‌کننده و تضعیف‌کننده اشاره کرد (ریمر ۱۹۹۷: ۱۶). زبان‌آموزانی که ترس تسهیل‌کننده دارند، زبان‌آموزانی هستند که همیشه از آمادگی و انگیزه کافی برخوردارند. علت این امر می‌تواند در این نکته نهفته باشد که میزان ترس در این افراد کم است. اما در افرادی که گونه‌ی ترس تضعیف‌کننده مشاهده می‌شود، میزان ترس به حدی است که غالباً از ادامه یادگیری بازمی‌مانند و انگیزه‌ای برای آن ندارند. به بیان دیگر، ترس تسهیل‌کننده می‌تواند در جهت پیشبرد یادگیری عمل کند و در مقابل ترس تضعیف‌کننده سد راه زبان‌آموز می‌شود. بنابراین با شناخت انواع ترس‌های مرتبط با یادگیری زبان خارجی و زبان دوم به این نتیجه می‌رسیم که ترس فاکتوری تعیین‌کننده در فرایند یادگیری زبان است و تأثیر مستقیمی بر آن دارد. نتایج پژوهشی که از سوی کلاینه‌من (۱۹۷۷) در میان زبان‌آموزان عرب و اسپانیایی صورت گرفته نشان می‌دهد، گروهی از این افراد که در هنگام یادگیری زبان انگلیسی نسبت به سایر زبان‌آموزان ترس بیشتری داشته‌اند، در یادگیری برخی از موضوعات دستور زبان، از جمله ساخت مصدر و ساخت مجهول موفق‌تر عمل کرده‌اند. بنابراین مشاهده می‌کنیم که تأثیر ترس بر یادگیری زبان خارجی یا

زبان دوم انکارناپذیر است. این تأثیر هم می‌تواند تسهیل‌کننده فرایند یادگیری باشد و هم بازدارنده آن. غالباً ترس زمانی افزایش می‌یابد که زبان‌آموز در کلاس شروع به صحبت می‌کند و یا وادار می‌شود از زبان خارجی استفاده کند. ترس، ناخودآگاه در یادگیری زبان خارجی بروز می‌کند، به طوری که شاید زبان‌آموز خود نیز به این امر واقف نباشد. اما نتیجه این خواهد بود که زبان‌آموز از انگیزه کافی برای شرکت در فعالیت‌های کلاسی برخوردار نیست. مک‌اینتایر و گاردنر (۱۹۹۱) بر این نظرند که ترس، فرایند یادگیری زبان را در سه مرحله تحت تأثیر قرار می‌دهد: مرحله درون‌داد (*Input*)، مرحله پردازش اطلاعات (*Verarbeitung*) و مرحله برونداد (*Output*). بیشترین پژوهش‌های صورت‌گرفته تاکنون تأثیر ترس بر برونداد زبان را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، زبان‌آموزان در یادگیری زبان خارجی و زبان دوم با ترس زبانی روبرو می‌شوند. این گونه از ترس نخستین بار از سوی متخصصان علم روان‌شناسی به رسمیت شناخته شد. هورویتز و یانگ (۱۹۹۱) معتقدند که دلیل به رسمیت شناختن گونه‌ی ترس زبانی این است که بخشی از ویژگی‌های شخصیتی افراد محسوب می‌شود و میزان آن در میان افراد متفاوت است. یکی از انواع ترس زبانی، ترس از امتحان (*Prüfungsangst*) است. غالباً افرادی که ترس از امتحان دارند، در یادگیری زبان خارجی یا زبان دوم نیز با ترس روبرو می‌شوند. علت این امر، ورود زبان‌آموز به موقعیتی است که در آن احساس تردید و اضطراب دارد. ترس زبانی تنها شامل یادگیری زبان خارجی یا زبان دوم نمی‌شود، بلکه ممکن است مواردی از آن را هنگام استفاده از زبان مادری نیز مشاهده کنیم. ارتباط با دیگران از جمله موقعیت‌هایی است که میزان ترس افراد در برقراری و یا عدم موفقیت در برقراری آن تأثیرگذار است. به طور مثال، افراد خجالتی و کم‌رو در برقراری ارتباط با دشواری بیشتری روبرو هستند و این نکته می‌تواند هم در زبان مادری و هم در زبان خارجی رخ دهد. هورویتز و یانگ (۱۹۹۱) بر این نظر تأکید دارند که ریشه‌ی ترس در یادگیری زبان خارجی و زبان دوم در زبان مادری نهفته است. این پژوهشگران معتقدند که زبان‌آموزانی که در یادگیری زبان

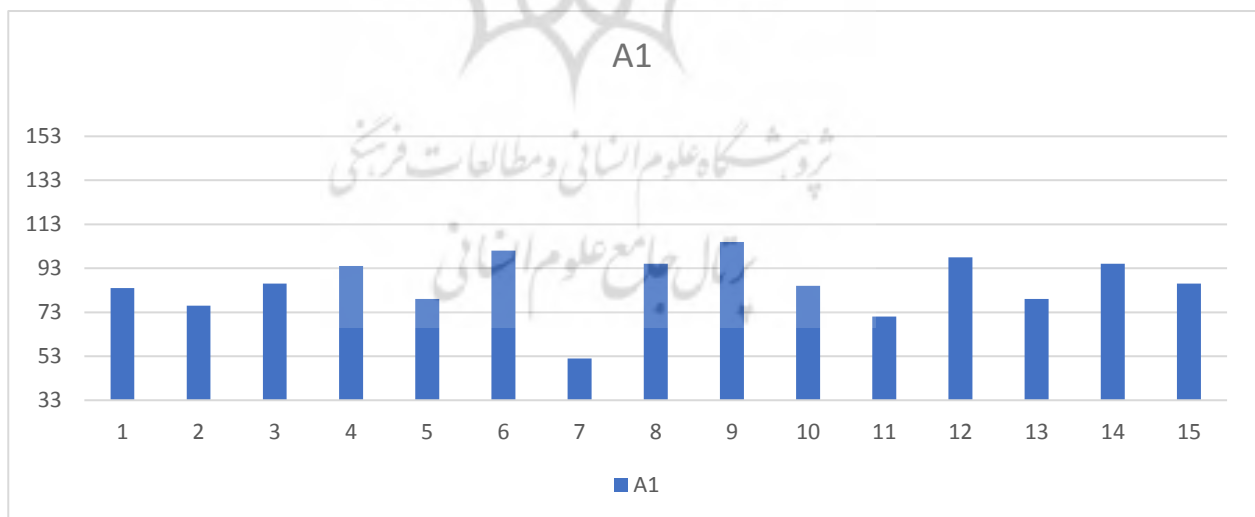
خارجی با ترس روبرو می‌شوند، در هنگام استفاده از زبان مادری نیز در شرایط مشابهی قرار می‌گیرند.

۴. روش تحقیق

همان‌طور که پیشتر اشاره شد، پرسش اصلی پژوهش پیش‌رو این است که آیا میزان ترس و اضطراب در میان زبان‌آموزان زبان آلمانی در سطوح زبانی مختلف، متفاوت است و اگر چنین است، میزان ترس در سطح مبتدی، متوسط و بالای متوسط چه تفاوت‌هایی دارد؟ فرضیه پژوهش بر این نکته تأکید دارد که هرچه زبان‌آموزان در سطح بالاتری از زبان قرار می‌گیرند، از میزان ترس آن‌ها کاسته می‌شود؟ برای دست‌یافتن به پاسخ این پرسش‌ها از مدل ارائه‌شده از سوی هورویتز و همکاران (۱۹۸۶) استفاده کردیم که برای سنجش میزان ترس در زبان خارجی (foreign language anxiety) مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این مقیاس اندازه‌گیری تحت عنوان «مقیاس اضطراب کلاس درس زبان خارجی» (Foreign Language Classroom Anxiety Scale) نام برده می‌شود. این پرسش‌نامه شامل ۳۳ مورد است که میزان ترس را در سه بخش مورد ارزیابی قرار می‌دهد: ترس از برقراری ارتباط، ترس از امتحان و ترس در

مقابل ارزیابی منفی. هورویتز و همکاران این سه گونه از ترس را ذیل ترس در یادگیری زبان خارجی تعریف کرده‌اند. ما در این پژوهش هر ۳۳ مورد را مورد بررسی قرار دادیم. زبان‌آموز در هر مورد پنج انتخاب برای پاسخ دارد: «کاملاً موافقم»، «موافقم»، «نه موافقم و نه مخالف»، «موافقم نیستم»، «اصلاً موافقم نیستم». پاسخ‌ها از یک تا پنج امتیاز دارد و در نهایت زبان‌آموزی که امتیاز بالاتری را کسب نماید، از میزان ترس و اضطراب بالاتری نیز برخوردار است. در مدل طراحی شده از سوی هورویتز و همکاران ۲۴ مورد به طور منفی طراحی شده است و ۹ مورد به طور مثبت. در این پژوهش، با هدف تعیین میزان ترس در میان زبان‌آموزان ایرانی زبان آلمانی این پرسش‌نامه در سه سطح A1 (سطح مبتدی)، B1 (سطح متوسط) و B2 (سطح بالای متوسط) در اختیار ۴۵ زبان‌آموز در یکی از مؤسسات آموزش زبان آلمانی در ایران قرار گرفت. در هر یک از سطوح یادشده، ۱۵ زبان‌آموز شرکت داشته‌اند. در سطح مبتدی پرسش‌نامه به زبان فارسی و در دو سطح بالاتر پرسش‌نامه به زبان آلمانی در اختیار زبان‌آموزان قرار گرفت.

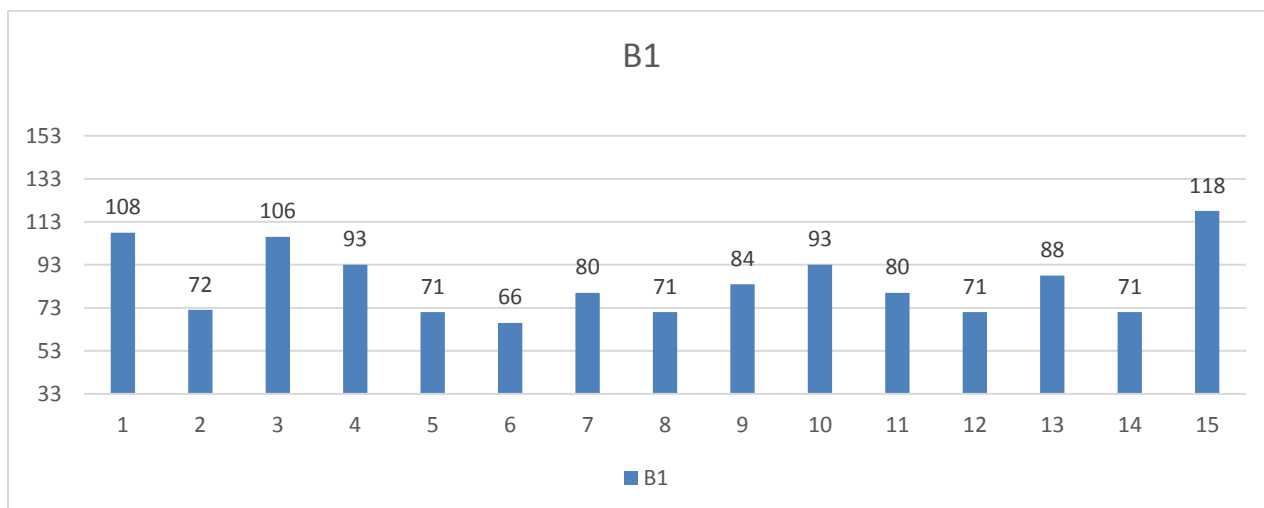
نمودار ۱: میزان اضطراب زبان‌آموزان در سطح مبتدی



است. بنابراین میزان اضطراب در سطح مبتدی به طور میانگین (۸۵٫۷۳ امتیاز) را نشان می‌دهد. محاسبه این میانگین برای مقایسه میزان اضطراب در این سطح با دو سطح متوسط و بالای متوسط ضروری است.

بررسی نتایج پرسش‌نامه در سطح مبتدی (A1) (نمودار ۱) نشان می‌دهد که بیشترین میزان از اضطراب (۱۰۵ امتیاز) متعلق به زبان‌آموز شماره (۹) است و کمترین میزان از اضطراب (۵۲ امتیاز) مربوط به زبان‌آموز شماره (۷) بوده

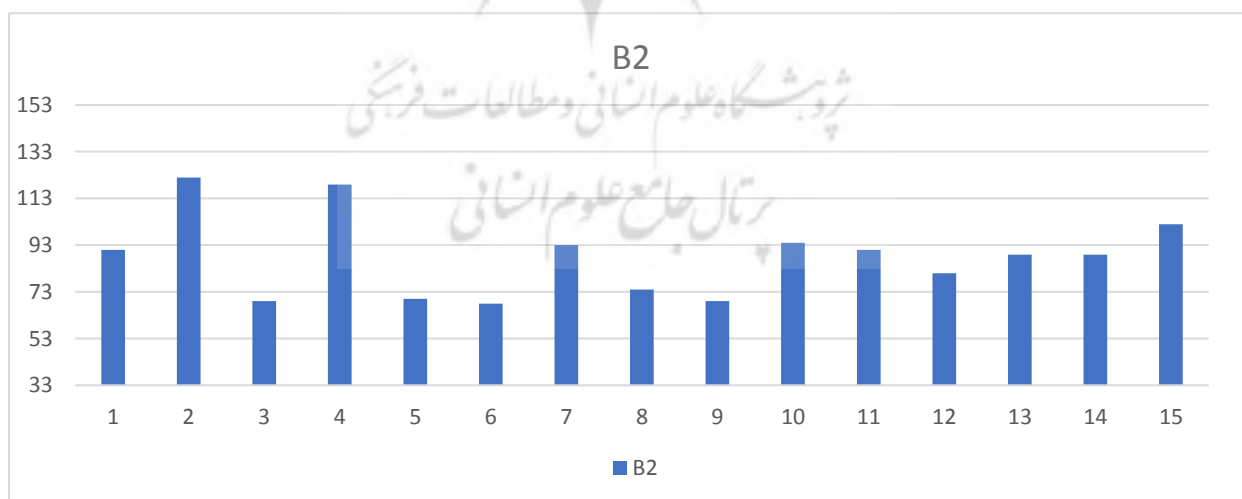
نمودار ۲: میزان اضطراب زبان‌آموزان در سطح متوسط



میزان ترس و اضطراب در زبان‌آموزان این سطح در مقایسه با زبان‌آموزان سطح مبتدی کاهش یافته است. این کاهش میزان اضطراب در این بخش به نوعی فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند. به این معنا که ارتقاء سطح زبانی، با کاهش میزان ترس و اضطراب همراه است. اما در سطح بالای متوسط با نتایج دیگری روبرو شدیم که در ادامه ملاحظه می‌کنیم.

با بررسی میزان اضطراب در سطح متوسط به این نتیجه رسیدیم که بیشترین میزان از ترس و اضطراب در سطح متوسط (۱۱۸ امتیاز) متعلق به زبان‌آموز شماره (۱۵) و کمترین میزان از اضطراب (۶۶ امتیاز) مربوط به زبان‌آموز شماره (۶) می‌باشد. به طور میانگین، میزان ترس و اضطراب در سطح متوسط (نمودار ۲) در مقایسه با سطح مبتدی با کاهش همراه بوده است (۸۴٫۸ امتیاز در مقابل ۸۵٫۷۳). میانگین امتیاز کسب‌شده در سطح متوسط نشان می‌دهد که

نمودار ۳: میزان اضطراب زبان‌آموزان در سطح بالای متوسط

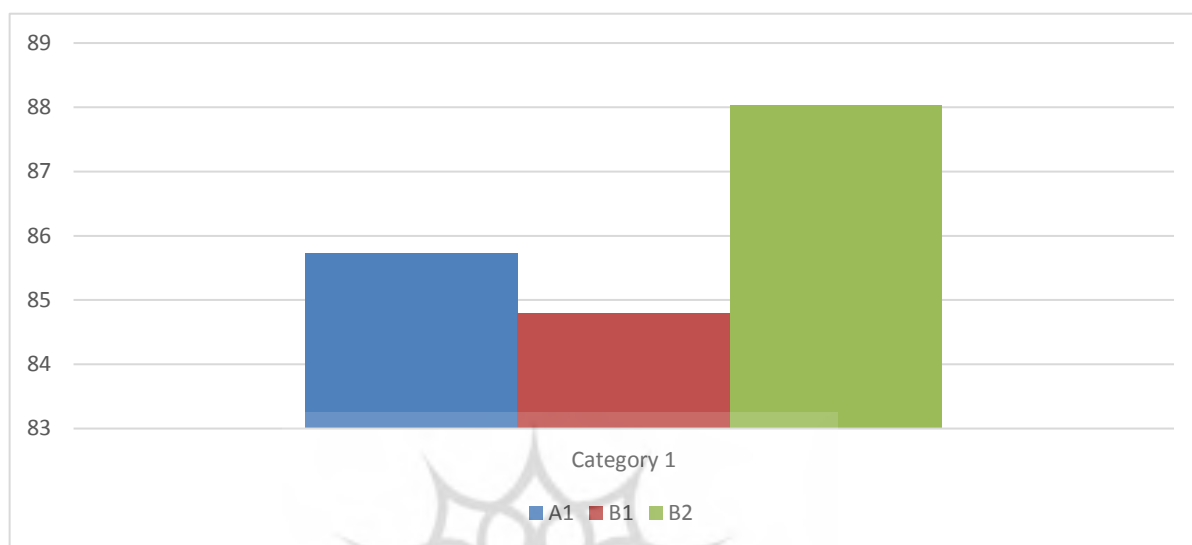


اضطراب مربوط به زبان‌آموز شماره (۶) با (۶۸ امتیاز) است. نکته قابل توجه در این میان، میانگین میزان ترس و اضطراب در سطح بالای متوسط است (۸۸٫۰۳). این بدان معناست که برخلاف فرضیه‌ای که در ابتدای پژوهش مطرح

از سوی دیگر، بررسی نتایج پرسش‌نامه در سطح بالای متوسط نشان می‌دهد که بیشترین میزان از ترس و اضطراب در سطح بالای متوسط (نمودار ۳)، متعلق به زبان‌آموزی (شماره ۲) با (۱۲۲ امتیاز) است و کمترین میزان از ترس و

شد، با بالا رفتن سطح زبانی زبان آموزان، میزان ترس و اضطراب آن‌ها لزوماً کاهش نمی‌یابد. میانگین (۸۸,۰۳) در سطح بالای متوسط در مقایسه با میانگین میزان اضطراب

در سطح مبتدی (۸۵,۷۳) و سطح متوسط (۸۴,۸) نشان می‌دهد که در بالاترین سطح زبانی مورد بررسی در این پژوهش، میزان ترس و اضطراب در میان زبان آموزان از دو سطح دیگر بیشتر بوده است.



نمودار ۴: مقایسه میزان اضطراب زبان آموزان در سه سطح مبتدی، متوسط و بالای متوسط

همان‌گونه که در نمودار (۴) قابل مشاهده است، میانگین میزان ترس و اضطراب در سطح مبتدی (۸۵,۷۳ امتیاز)، در سطح متوسط با کاهشی اندک (۸۴,۸ امتیاز) و در سطح بالای متوسط (۸۸,۰۳ امتیاز) را نشان می‌دهد. بنابراین مشاهده می‌کنیم که این فرضیه که با بالا رفتن سطح زبانی زبان آموزان، میزان ترس و اضطراب آنان کاهش می‌یابد، با در نظر گرفتن مجموع نتایج به دست آمده از پرسش‌نامه مورد تأیید واقع نشد.

۱۵ نتیجه‌گیری

در این جستار، علاوه بر معرفی انواع ترس‌های مرتبط با یادگیری زبان خارجی و زبان دوم، این پرسش مورد بررسی قرار گرفت که آیا میزان ترس در میان زبان آموزان زبان آلمانی در سطوح مختلف زبانی، متفاوت است و اگر چنین است، میزان ترس در سطح مبتدی (A1)، متوسط (B1) و بالای متوسط (B2) چه تفاوت‌هایی دارد؟ مبنای فرضیه پژوهش پیش‌رو بر این اساس بود که هرچه زبان آموزان در سطح بالاتری از زبان قرار می‌گیرند، از میزان ترس آن‌ها کاسته می‌شود. برای دست‌یافتن به پرسش این پاسخ‌ها از مدل ارائه شده از سوی هورویتز و همکاران (۱۹۸۶) استفاده کردیم که برای

سنجش میزان ترس در زبان خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج پژوهش نشان داد که میزان ترس و اضطراب در میان زبان آموزان در سطوح مختلف زبانی متفاوت است. میزان اضطراب در سطح مبتدی (A1) به طور میانگین (۸۵,۷۳ امتیاز) را نشان داد. از سوی دیگر، میزان ترس و اضطراب در سطح متوسط در مقایسه با سطح مبتدی با کاهش همراه بود. این میزان به طور میانگین (۸۴,۸ امتیاز) را نشان داد. میانگین امتیاز کسب‌شده در سطح متوسط نشان می‌دهد که میزان ترس و اضطراب در زبان آموزان این سطح در مقایسه با زبان آموزان سطح مبتدی کاهش یافته است. این کاهش میزان اضطراب در این بخش به نوعی فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند. به این معنا که ارتقاء سطح زبانی، با کاهش میزان ترس و اضطراب همراه است (۸۴,۸ امتیاز در مقابل ۸۵,۷۳). اما آنچه برخلاف فرضیه پژوهش به اثبات رسید، میانگین میزان ترس و اضطراب در سطح بالای متوسط بود. میانگین میزان ترس و اضطراب در سطح بالای متوسط، امتیاز (۸۸,۰۳) را نشان داد. این بدان معناست که برخلاف فرضیه‌ای که در ابتدای پژوهش مطرح شد، با بالا رفتن سطح زبانی زبان آموزان، میزان ترس و

Anxious and non-anxious language learners' reactions to their own oral performance. *Modern Language Journal*, 4, pp. 62-70.

Hammer, L. M. (2019). *Didaktische Methoden zur Gestaltung einer angstfreien Unterrichtsatmosphäre beim Sprachenlernen. Graz: treffpunkt sprachen Graz.*

Horwitz, E. K. (1991). Preliminary evidence for the reliability and validity of a foreign language anxiety scale. In: E. K. Horwitz, & D. J. Young (Eds.), *Language anxiety: From theory and research to classroom implications* (pp. 37-39). Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall.

Horwitz, E. K., Horwitz, M. B., & Cope, J. A. (1986). Foreign language classroom anxiety. *The Modern Language Journal*, 70(2), pp. 125-132.

Horwitz, E. K. & Young D. J. (Eds.) (1991). *Language anxiety: From theory and research to classroom implications*. Englewood Cliffs, New Jersey: Prentice Hall.

Kleinmann, H. (1997). Avoidance behavior in adult second-language acquisition. *Language Learning* 27, pp. 93-107.

MacIntyre, P. D. & Gardner, R. C. (1991). Methods and results in the study of anxiety and language learning: A review of the literature. *Language Learning*, 41(1), pp. 85-117.

MacIntyre, P. D. (1998). A review of the research for language teachers. In: D. J. Young (Ed.), *Affect in foreign language and second Language Learning* (pp. 24-45). Boston, MA: McGraw-Hill.

اضطراب آن‌ها لزوماً کاهش نمی‌یابد. میانگین (۸۸,۰۳) در سطح بالای متوسط در مقایسه با میانگین میزان اضطراب در سطح مبتدی (۸۵,۷۳) و سطح متوسط (۸۴,۸) نشان می‌دهد که در بالاترین سطح زبانی مورد بررسی در این پژوهش، میزان ترس و اضطراب در میان زبان‌آموزان از دو سطح دیگر بیشتر بوده است. بنابراین مشاهده می‌کنیم که این فرضیه که با بالا رفتن سطح زبانی زبان‌آموزان، میزان ترس و اضطراب آنان کاهش می‌یابد، با در نظر گرفتن مجموع نتایج به‌دست آمده از پرسش‌نامه مورد تأیید نیست.

منابع:

پروانه، حمید؛ ذوقی، مسعود و اسدی، نادر (۱۳۹۹). تأثیر روش آموزش معکوس بر خودمختاری و اضطراب زبان‌آموزان ایرانی. *پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی*، ۱۰ (۲)، ۳۳۰-۳۴۷.

شیرازی زاده، محسن؛ مرادخانی، شهاب و کریم پور، محبوبه (۱۳۹۶). بررسی اضطراب و عملکرد نگارش در انگلیسی به عنوان زبان خارجی: آیا کمال‌گرایی تفاوتی ایجاد می‌کند؟ *پژوهش‌های زبانشناختی در زبانهای خارجی*، ۷ (۱)، ۱۷۸-۱۵۳.

مودنی لیمودهی، مریم و مازندرانی، امید (۱۳۹۹). اضطراب یادگیری زبان خارجی در سطوح مختلف زبان‌آموزان پسر و دختر ایرانی. *جستارهای زبانی*، ۱۱ (۶)، ۶۳۴-۶۰۵.

Aida, Y. (1994). Examination of Horwitz, Horwitz, and Cope's construct of foreign language anxiety: The case of students of Japanese. *The Modern Language Journal*, 78(2), pp. 155-168.

Ellis, R. (1994). *The Study of second Language Acquisition*. Oxford u.a.: Oxford University Press.

Gass, S. M. & Selinker, L. (2001). *Second Language Acquisition, an Introductory Course*. (2nd ed.). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Gregersen, T. S. & Horwitz, E. K. (2002). Language learning and perfectionism:

- Foreign Language Research*, 7(1), 153-178. doi: 10.22059/jflr.2017.235551.346 (in Persian)
- Sparks, R. L. & Ganschow, L. (2007). Is the foreign language classroom anxiety scale measuring anxiety or language skills? *Foreign Language Annals*, 40(2), pp. 260-287.
- Zachariasz-Janik, M. (2020). Didaktische Mittel zur Überwindung der Sprechangst am Beispiel der Jugendkurse des Goethe-Instituts im Inland. *Linguistische Treffen iW Wcctww*, Vol. 18, pp. 345-359.
- Moazzeni Limoudehi M, Mazandarani O. (2021) Anxiety When Learning a Foreign Language: The Cases of Proficiency and Gender. *LRR*, 11 (6), 605-634 (in Persian)
- Nardi, A. (2006). *Der Einfluss außersprachlicher Faktoren auf das Erlernen des Deutschen als Fremdsprache. Dissertation Universität Zürich*
- Nerlicki, K. & Riemer, C. (2012). Sprachverwendungsangst im interkulturellen Vergleich - auf der Suche nach ihren universellen und lernkontextspezifischen Ursachen. *Deutsch als Fremdsprache* (49/2), pp. 88-98.
- Pae, R. & Misieng, J. (2012). *Foreign Language Classroom Anxiety Scale: A Comparison of Three Models*. University Malaysia Sarawak, Sarawak, Malaysia.
- Parvaneh, H., Zoghi, M., & Asadi, N. (2020). Flipped Classroom Approach: Its Effect on Learner Autonomy and Language Anxiety of Iranian EFL Learners. *Journal of Foreign Language Research*, 10(2), 330-347. doi: 10.22059/jflr.2020.291793.698 (in Persian)
- Riemer, C. (1997). *Individuelle Unterschiede im Fremdspracherwerb. Die Wechselwirkung ausgewählter Einflussfaktoren. Baltmannsweiler: Schneider Hohengehren.*
- Scovel, T. (1978). The effect of affect on foreign language learning: A review of the anxiety research. *Language Learning*, 28(1), pp. 129-142.
- Shirazizadeh, M., Moradkhani, S., & Karimpour, M. (2017). Anxiety and Performance in Second Language Writing: Does Perfectionism Play a Role?. *Journal of*